

# درد پر شور به طبقه کارگر فرانسه و پیشاهنگ آن حزب کمونیست

که در راه تحقق خواسته‌های اقتصادی و سیاسی، دموکراسی و سوسیالیسم با آگاهی و استواری مبارزه میکنند!

دوره ششم، شماره سی و نهم

خرداد ماه ۱۳۴۷

دفاع دلیرانه رفیق آصف رزم دیده، کارگر عضو حزب توده ایران را خوانندگان ماهنامه مردم: در صفحات ۳ و ۴ و ۵ این شماره بخوانید.

## نامه عده‌ای از زندانیان سیاسی بکنفرانس جهانی حقوق بشر

تجاوز علنی و خشن برپالیم مواجه میشود. رژیم‌های ضددهک و فاشستی و نظامی هنوز در خیلی کشورها حکومت میکنند و این قابل تأسف است و ممکن است باعث تعجب شما شود وقتی مطلع شوید و ملاحظه نمایند که در ایران در کشوری که میزبان جلسه جهانی حقوق بشر است، حقوق اساسی و ابتدائی مردم و خیلی از مواد اعلامیه حقوق بشر نقض شده است.

در ایران بر خلاف ماده ۱۹ قانون اساسی، بشر، میهن پرستان و آزادیخواهان آزادی بیان، آزادی قلم و آزادی اجتماعات، آزادی عقیده محروم اند، بر خلاف ماده ۱۱ مردم ایران حق ندارند در امور کشور دخالت نمایند، سازمانهای دمکراتیک و ملی اجازه ندارند آزادانه فعالیت نمایند و اعضای آنها را زندانی میکنند و برای آنکه «جرم های» انتسابی را قبول کنند تا حد مرگ دنباله در صفحه ۶

از زندانیان سیاسی باتفاق مردم ایران بشما خیر مقدم میگوئیم و تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر را قدمی مثبت در راه تحقق حقوق بشر تلقی میکنیم.

متأسفانه، گرچه ۲۰ سال از تاریخی که اعلامیه حقوق بشر اعلام شده است میگذرد هنوز در بسیاری از نقاط جهان حقوق مردم زیر پا گذاشته میشود. خارجیان در آفریقا، حقوق مردم آفریقا را پایمال میکنند و آنها را تحت فشار میگذارند و شکنجه میکنند. در آمریکا و برخی از کشورهای تبعیض وجود دارد و مردم آزادیخواه در آسیا و آفریقا، اقیانوسیه و امریکای لاتین از مظالم استعمار طلبان رنج میبرند و نمیتوانند سرنوشت خود را، خود آزادانه تعیین نمایند. هنوز قسمتهای زیادی از جهان مستقیم یا غیر مستقیم زیر یوغ استعمار چنان قرار دارد، و هر ملتی که بخواهد استقلال خود را بدست آورد و برای گرفتن حقوق خویش بیاخیزد، مانند مردم ویتنام با

جناب آقای اوتانت، دبیر کل سازمان ملل متحد و نمایندگان محترم کنفرانس جهانی حقوق بشر! ما امضاءکنندگان زیر، زندانیان سیاسی قصر «تهران» از طرف خود و عده ای

## ما برای وحدت عمل آماده بوده ایم و هستیم

آنچه که بویژه در این اعلامیه مورد توجه است، نتیجه درستی است که از مطالب گفته شده آغاز میگردد، اعلامیه سازمانهای جبهه ملی در اروپا در این زمینه چنین می نویسد:

«بخطر نجات بندهای جدید استبداد در ایران و بنا به مجموع ملاحظاتی فوق. سازمانهای جبهه ملی ایران گشودن جبهه وسیعی را در جهت دفاع از دستگیرشدگان اخیر لازم میدانند.

ما نه فقط خود از امکانات و وسائلی که در اختیار داریم در این جهت استفاده خواهیم کرد، بلکه شرکت در این مجاهدت عادلانه را بر همه سازمانها، گروهها و افراد آزادیخواه و میهن پرست در داخل و خارج از کشور واجب میدانیم و از همه نیروها دعوت می کنیم که در سازمان دادن بیک کوشش و اقدام همگانی در این راه با ما همگام شوند.» (تکیه روی کلمات از ماست - مردم) دنباله در صفحه ۶

آخری «سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا» بواسطه موج تازه تضییقاتی که از طرف رژیم استبدادی در مورد عده‌ای از آزادیخواهان و مبارزان اعمال شده است، اعلامیه‌ای نشر داده است. در این اعلامیه پس از ذکر آنکه «سازمان امنیت به دستگیری بیش از ۱۳۵ نفر از دانشجویان و عده کثیر دیگری از آزادیخواهان و جوانان مبارز کشور... دست زد» نوشته شده است: «مطابق اخبار موثق جلادان سازمان امنیت، دستگیرشدگان را طبق معمول تحت شکنجه‌های شدید قرار داده‌اند و نسبت به چند تن از آنان و از جمله آقایان بیژن جزینی، سورکی، حسن ضیاء ظریفی، مجید احسن، محمد عسکری، از هیچ عمل وحشیانه‌ای خود داری نکرده‌اند تا آنجا که جان آقایان جزینی و ظریفی در خطر است... اعلامیه جبهه ملی در اروپا علت واکنش‌های خشن رژیم را بی‌مبوهی از گسترش و اعتلاء نوین جنبش دمکراتیک جوانان و جنبش آزادیبخش کشور در مجموع خود در یکسال اخیر» میدانند و می نویسد: «سران

## کنفرانس حقوق بشر در تهران پایان یافت

تفوق نژادی، پایان دادن به تجاوز و جنک در جوامع بشری، مبارزه علیه یسواد، از بین بردن عدم تساوی حقوق زن و مرد، حمایت خانواده و کودک و خلع سلاح که عالیترین هدف انسان هاست... و سپس این روزنامه اضافه میکند که: «در پایان اعلامیه تهران کنفرانس از کلیه ملل و دول خواسته است که تمام هم خود را مصروف بزرگداشت اعلامیه حقوق بشر و تعالی بشر و رفاه جسمی اجتماعی و معنوی آن نمایند.»

بطوریکه معلوم است حزب ما ضمن اعلامیه‌ای، مدت‌ها قبل از تشکیل کنفرانس آمادگی خود را برای همکاری و وحدت عمل با تمام نیروهای ملی و سازمانهای اجتماعی قطع نظر از عقاید سیاسی آنها برای مبارزه مشترک به منظور افشای ریاکاری رژیم دیکتاتوری ایران که کنفرانس حقوق بشر را بکشوری کشانده که در آن ابتدائی ترین حقوق انسانها پایمال میشود، اعلام داشت و طرق مشخص افشاگری را نشان داد. حزب ما تا آنجا که در قدرت او بود بوسیله صدور اعلامیه ارسال اعتراض نامه بسازمان ملل، پخش گفتارهای افشاگرانه از رادیو بیگ ایران و انتشار مقالات در نشریات حزبی، کوشش نمود که اعضای کنفرانس را از وضع واقعی میهن ما آگاه سازد. حزب ما با آنکه با



خلق قهرمان ویتنام، قهرمانان از استقلال میهن خویش در برابر امپریالیسم تجاوزکار آمریکا دفاع میکنند.

## کنفرانس حقوق بشر در تهران پایان یافت

واکنش مناسبی در مقابل پیشنهاد وحدت عمل از طرف سایر نیروهای ملی و ضد رژیم رو برو نشد، با وجود این اقدامات و اعتراضات آنها را در این زمینه بوسیله رادیو پیک ایران با اطلاع مردم رساند. در آستانه تشکیل کنفرانس کیه اعتراضاتی که از طرف سازمان های مختلف در مورد انتخاب تهران بعنوان محل تشکیل کنفرانس بعمل آمد از جمله اعتراض نامه های کنفدراسیون دانشجویان ایران در خارج، سازمان سوسیالیستی آموزشگاههای عالی مونیخ، سازمان دانشجویان لیبرال آلمان غربی در مونیخ و اعتراض کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران را که با شرکت شخصیت های معروفی مانند (سارتر) در فرانسه وجود دارد، از پیک ایران بخش نمود. اما بدون تردید تأثیر این فعالیت ها بر مراتب بیشتر و مبارزه بدرجات دامنه دارتر و ثمربخش تر میشد اگر این اقدامات جداگانه متمرکز و جریان مبارزه از طرف یک مرکز که نماینده تمام نیروهای دموکراتیک باشد رهبری میگردد.

اینک که کنفرانس پایان یافته میتوان بهتر مقاصد پلید و موزیانه حکومت ایران را فاش کرد. بدون تردید تشکیل این کنفرانس و کنفرانس های مشابه آن از قبیل کنفرانس مبارزه با یسواوی یونسکو در تهران، هزینه های سنگینی بودجه کشور تحمیل میکند و زحمت زیادی برای دستگامهای دولتی ایجاد مینماید اما چه نفعی بحال کشور دارد؟ شکنی نیست که در شرایط و اوضاع و احوال کنونی ایران باید گفت هیچ سودی که نیست بجای خود زیانهم دارد. زیرا بحساب جیب مردم ایران حکومت دیکتاتوری پردهای از ریا و تزویر بر چهره کریه خود میکشد و بخصوص شاه بسیار «دموکرات» و «مردم دوست» ایران فرصت پیدا میکند که با وارونه کردن حقیقت بر محراب ومنبر اینگونه کنفرانس ها جلوه گیری کند و افکار عمومی جهان را بسود شخصی خود منحرف نماید، شاه در آغاز کنفرانس بنام رئیس کشور مهماندار پشت میز خطابه رفت و بدون سرزنش وجدانی چنین سخنانی را بر زبان راند: «آنچه در گذشته بجهان تصور و رؤیا تعلق داشت در قانون اخلاقی دنیای ما که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ بوسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب رسید، جایی طبیعی و عادی پیدا کرد. باین ترتیب بنظر من مفید بلکه ضروری است که در آستانه این کنفرانس بزرگ نه تنها ارزش معنوی و الهام بخش اعلامیه، بلکه نیروی عملی بی انتها و نفوذ همه جانبه و وسیع آنرا خاطر نشان سازیم» و افزود که: «اجرای واقعی و مؤثر عدالت قضائی، تأمین حقوق مدنی و دموکراسی سیاسی همراه با عدالت اجتماعی، تأمین حقوق اجتماعی و دموکراسی اقتصادی نه تنها وظیفه ملی هر دولتی را تشکیل

میدهد، بلکه پر ارزش ترین هدیه است که هر حکومتی میتواند بجامعه بشری و صلح بین المللی بدهد». برآستی اگر آنچه شاه در گفتار ادعا کرد با واقعیت زندگی جامعه ایران تطبیق مینمود، افتخاری نصیب کشور ما میگردد که در یک مجمع بین المللی بدان بنایم و دیگران را بدانشتن آنچه ما داریم تشویق نماییم. اما بجای افتخار اینگونه دعوی باطل فقط تشنگ و رسوائی برای گردانندگان رژیم بیمار می آورد نه چیز دیگر. چقدر کوتاه نظرانه است که حکومت گمان برد با ارباب مردم در آستانه کنفرانس و با تنظیم برنامه های سرسام آور برای پرس کردن ساعات بیکاری نمایندگان و سانسور شدید مطبوعات، حتی سانسور مذاکرات کنفرانس در مطبوعات ایران و تشدید مراقبت مأموران سازمان امنیت در اطراف محل کنفرانس و مسکن نمایندگان، مانع از آن خواهد شد که آنها از اوضاع داخلی ایران سر در بیاورند. اما انتشار اخبار ذیل نشان میدهد که در دنیای امروز اینگونه چشم بندی ها از اثر افتاده است. هفته نامه تریبون (لندن) ۲۵ آوریل بر اساس خبر واصل از تهران مینویسد: «... حالاً که کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل متحد در تهران بر گزار میشود، یک موج اختناق جدید در حرکت است. الیکارشی ایران مصمم است و نقشه میکشد که نیروهای سوسیالیست و مترقی مملکت را نابود کند. اخبار و نامه هاییکه از داخل زندان های قرون وسطائی ایران به بیرون قاجاق شده اند، حاکی ازین اند که بسیاری از زندانیان شکنجه شده و مورد اهانت قرار گرفته اند. تقریباً دو ماه پیش چهل نفر بدون ارائه هیچگونه دلیلی از طرف دستگاه باز داشت شدند و اکنون مکان و سرنوشت بیشتر آنها معلوم نیست. یکی از آنها بنام بیژن جزنی فارغ التحصیل فلسفه از دانشگاه تهران، سوسیالیست و عضو جبهه ملی ایران ۶۲ ساعت زیر شکنجه بوده است. یکی دیگر بنام ضیاء ظریفی بشدت مجروح شده است. هدایت اله متین دفتری وکیل دادگستری، فارغ التحصیل دانشگاه کبریج و نوه دکتر مصدق را عصر سوم آوریل دزدیدند (هدایت اله فرزند دکتر متین دفتری رئیس جمعیت رسمی و علنی طرفداران حقوق بشر در ایران است) دو نفر پلیس مخفی در جلو دانشگاه تهران باو نزدیک شده و با زور او را بداخل اتوموبیلشان کشاندند... این نمونه اختناق است که امروز گریبانگیر ایرانیان است...» روزنامه فرانسوی لوموند مورخ ۲۵ آوریل، اعتراض نامه کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران را که از شخصیت های علمی و فرهنگی برجسته ای مانند ژان پل سارتر تشکیل میشود، منتشر کرد که ما قسمتی از آنرا در اینجا نقل میکنیم: «سازمان ملل متحد نمایندگان دولتهای

امضاء کننده اعلامیه حقوق بشر را در تهران مجتمع میکند. حکومت ایران ابتدائی ترین آزادیها را از بین برده است آزادی بیان آزادی عقیده، آزادی اجتماع، آزادی تشکیل جمعیت، آزادیهای را که قانون اساسی ایران که از لحاظ تئوری هنوز متبع است، حق مردم شناخته است. بدیهی است که در این کنفرانس از قوانینی که برای تأمین آزادی های فردی و اجتماعی مردم این قبیله کشورها وضع شده و از پیشرفت دموکراسی در آنها سخن بمالند خواهند گشود. سخن از تأمین آزادی و پیشرفت دموکراسی در کشور هائی خواهند گفت که در آنها وطن دوستان را میرابند. شکنجه میکنند، در دادگاههای نظامی سری محکوم میکنند بقتل میرسانند یا در ساولهای دو متر در دو متر بدون آنکه حق ملاقات داشته باشند تن و روانشان را تباه میسازند.» (۱)

نمونه دیگری از «اجرای واقعی و مؤثر عدالت قضائی» که شاه از آن بعنوان «وظیفه ملی» سخن بیان آورد، جریان محاکمه دو نفر از رفقای کارگر ما آصف رزم دیده و صابر محمد زاده در دادگاه تجدید نظر در بسته نظامی است بطوریکه بتفصیل در مقدمه آخرین دفاع رفیق رزم دیده در این شماره میخوانید، این رفتار در دادگاه بدوی بدون تشکیل رسمی دادگاه بجس های طولانی محکوم کرده اند. آنها را از زندان به «دادگاه» برده و بمحض ورود حتی بدون آنکه اعضاء «دادگاه» بنشینند و رسمیت دادگاه را اعلام کنند، حکم محکومیت آنرا بوسیله منشی محکمه بآنها ابلاغ نموده اند. نامه زندانیان سیاسی زندان قصر که متن آن در همین شماره درج گردیده نمونه دیگری از «اجرای واقعی و مؤثر عدالت قضائی» شاهانه را ارائه میدهد.

هیئت نمایندگی ایران بریاست اشرف پهلوی تمام نوزده ماده مندرج در «اعلامیه تهران» رأی داد و اشرف پهلوی پس از پایان کنفرانس اعلامیه را «یک سند تاریخی» نامید و در مصاحبه با خبرنگاران داد سخن داد در حالیکه نه فقط هیچکدام از مواد مصوب کنفرانس بلکه هیچکدام از ساده ترین و ابتدائی ترین مواد اعلامیه حقوق بشر در کشوریکه این «شاهزاده خانم» نماینده آنست مراعات نمیشود حکومت ایران ماده مربوط به لزوم محو کله ایدئولوژیهای مبنی بر تقوق نژادی و سازمانهای فاشیستی و نئوفاشیستی را تصویب و باین عمل خود مباحثات میکند ولی در عمل تمام سازمانهای دموکراتیک و ضد فاشیستی را در هم میکوبد و سازمانی نظیر «پیمان ایرانسم» را که بر اساس تئوری نژادی و متد سازمانی فاشیستی تشکیل گردیده، بوجود میآورد و کرسیهای شورا و سنارا بدانها اختصاص میدهد. حکومت ایران از تساوی حقوق زن و مرد، از مبارزه با یسواد و جهل، از حمایت خانواده و کودک و احترام بحقوق فرد در جامعه در اینگونه کنفرانسها

## ما به تبعید زندانیان

## سیاسی هتتر ضمیم

رفیق آصف رزم دیده روز ۲۹ اسفند به اهواز تبعید شد. رفیق دیگر ما صابر محمد زاده نیز قبل از تبعید شده بود. باین ترتیب رژیم شاه، مبارزان سر سخت را که در چنگال درخیم برانوردنمایند، هر روز از زندانی دیگر تبعید میکند. حکمت جو به برازجان، خاوری زاهدان، پیردزی به خرم آباد، اواسیان به کرمان و معتمدی به بندر عباس و محمد زاده به رضائیه و رزم دیده به اهواز... مبارزانی را که در بندند و اگر در تهران باشند، خانواده های آنها ممکن است با آنها ملاقات کنند و گاه گاه غذائی یا لباس تمیزی به آنها برسانند، بقاطی میفرستند، که از هر نوع کمک خانواده محروم شوند و همسران، کودکان خردسال و مادران پیر خود را نبینند و بقول دادستان ارتش آقبر در زندان بمانند تا از پای درآیند.

## تصحیح لازم

در سرود چهارم حزبی که در شماره پیشین طبع شده متأسفانه چند اشتباه رخ داده است. در بند دوم مصرع سوم باید خوانده شود: «مهر آزادی رسم و راه ماست» (و نه: «راه و رسم ماست»). در بند سوم مصرع دوم باید خوانده شود: «دبو استعمار ز خانه بیرون رانیم» (و نه: «دیو استبداد»). در همان بند مصرع چهارم باید خوانده شود: «صاحب خاک پاک میهن اوست» (و نه: «صاحب اصلی خاک میهن اوست»). از آنجا که این اصلاحات در وزن، آهنگ و در معنای درست سرود مؤثر است، لطفاً تصحیح فرمائید.

## توجه!

بهای کتاب «انقلاب اکبر و ایران» ۸۰ ریال است که در شماره گذشته اشتهاً ۴۰ ریال چاپ شده است.

بحرف، فقط بحرف، پشتیبانی میکند و خود را بصورت گربه عابد نشان میدهد ولی لازم بتکرار نیست که از سایه سر عمل حکومت هنوز زنان در کشور ما از حقوق برابر با مردان محرومند، هنوز ۸۰ درصد از مردم ما یسوادند، هنوز از کودکان و مادران کمترین حمایتی نمیشود و هنوز کمترین حمایتی از حقوق افراد بعمل نمیآید. بهر حال کشاندن این کنفرانس و نظائر آن بتهران جزئی از نقشه کلی رژیم برای پوشاندن ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک خود میباشد. وظیفه تمام نیروهای مترقی میهن ما افشای این سیاست و برهم زدن اینگونه نقشه های مزورانه است که حزب ما با سر بلندی آنرا انجام میدهد. ا. گویا

(۱) ترجمه های تریبون و لوموند از خبرنگارانه جبهه ملی ایران نقل گردید.

# آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده در دادگاه تجدید نظر نظامی



رفیق آصف رزم دیده

دفاع دلیرانه ای که در دادگاه در بسته تجدید نظر نظامی ایراد شده و ذیلاً متن آنرا میخوانید متعلق بیک کارگر انقلابی و با ایمان، رفیق آصف رزم دیده کارگر مطبوعه مخفی حزب ما در تهران است.

رفیق آصف رزم دیده به همراه دوست خود رفیق صابر محمد زاده به اتهام ساختگی «قیام و اقدام علیه امنیت و استقلال مملکت» محاکمه شدند و رفیق آصف رزم دیده به شش سال زندان محکوم شده است.

در متن کیفرخواست دادستانی نظامی در باره رفیق آصف رزم دیده چنین میخوانیم: «با آنکه مسئولیت حزبی متهم پیرونده از صابر محمد زاده که فرد بالادست او محسوب میگردد کمتر میباشد مع الوصف نامبرده نیز از بازداشت تعصب حزبی خود را حفظ

و در باره حزب توده چنین نظر داده است که حزب مذکور رسالت تاریخی دارد و تنها حزبی است که به پائین ترین طبقه اجتماع تعلق دارد و هدفش تأمین خواسته های زحمتکشان و سازمانده این توده ها است. این طبقه، بنظر قطعی او، فقط و فقط در صورت طرح خواسته های مشروع که در مراحل مختلفه و شرایط مناسب امکان پذیر است به هدف خود خواهد رسید و حزب جز زبان گویا برای طبقه زحمتکش چیز دیگر نیست و خواست حزب خواست جامعه است.»

چنین است بیان کیفرخواست دادستان نظامی. این توصیف کیفرخواست از عقاید و نظریات رفیق آصف رزم دیده، خود بهترین معرف روش او در بازجویی و در دادرسی و سندی است که یک مبارز میتواند بدان افتخار کند.

تمسار ریاست محترم دادگاه!  
قضات ارجمند!

پیرونده ام را مسلماً مطالعه و بررسی کرده اید. از ابتدا تا انتهای آن تنها یک مطلب بچشم میخورد و آن اعتراف صریح من به عضویت در حزب توده است. آقایان هم بدون شك در طول چند سال قضاوت به متهمینی نظیر و مشابه برخورد کرده اید، مطالب زیادی از طرف متهمین در رد یا قبول اتهاماتشان شنیده اید. اما آنچه که من در این مقدمه میخوانم عرض کنم در مورد اتهام و بطور کلی در باره پرونده مربوطه نیست، بلکه مطلبی است که نه تنها برای من متهم حتی برای خود شما قضات هم تازه گی دارد و شاید تا کنون بچنین مطلبی اصولاً برخورد نکرده باشید. چون اولین بار است گرفتار میشوم از کیفیت تشکیل دادگاههای نظامی و نحوه قضاوت آنها و اینکه در مورد متهمین تا چه حد رعایت اصل بیطرفی اجرا میشود هیچگونه اطلاعی ندارم و آنچه را که در خارج - افکار عمومی قضاوت میکرد و شنیده میشد برای من باور کردنی نبود، زیرا عقیده ام

هم نیستیم چگونگی و بجه ترتیب میتوانیم از خود دفاع کنیم. خلاصه وقتیکه وارد دادگاه شدیم قبل از بیان هر صحبتی جریان را بعنوان اعتراض و شکایت بارئیس دادگاه که مرجع صالحی بود در میان گذاشتیم واز وکیل مدافع جداً تقاضا کردیم که ترتیبی بدهد و اوراق و دفاعیه ما را از زندان مطالبه کند و در اختیار ما بگذارد تا قرائت بشود و هیچک از آقایان حاضر در دادگاه کمترین حرفی نزدند و کوچکترین ترتیب اثری بحرف ما ندادند و بفاصله دو سه دقیقه نامه محکومت ما را مانند یک حکم اداری و یک برگ ابلاغه که قبلاً حاضر و آماده شده بود وسیله منشی بما ابلاغ کردند و هر یک پی کار خود رفتند.

ما هم مانند فردی متحیر کمی بدر و دیوار نگاه کردیم و مجدداً باقامتگاه خود یعنی زندان وارد شدیم. این بود جریان تشکیل دادگاه بدوی ما و نقش وکیل مدافع و نتیجه قضاوت آقایان قضات دادگاه. حال من نمیدانم آیا این جریان را میتوان نام دادگاه گذاشت و بر آن رسمیت قائل شد و این محکومت را پذیرفت یا خیر؟ و آیا دادگاهی که اکنون ما را دعوت کرده است در حقیقت همان دادگاه بدوی است یا خیر؟ باید بآن بچشم دادگاه تجدید نظر نگاه کرد؟ در هر حال اگر اعتراض ما مورد قبول واقع نگردد همان دادگاه بدوی تشکیل شده است که ما وظیفه دیگری داریم و اما اگر دادگاه تجدید نظر در حقیقت آخرین مرجع است که باید سرنوشت ما را تعیین نماید پس اجازه فرمائید تا حرف خودمان را به تفصیل بزنیم و آنچه را که بنظر میآید بعنوان آخرین دفاع بگوئیم و سپس بانتظار صدور نتیجه رأی بشینیم.

در کیفرخواستی که علیه اینجانب و متهم دیگر حاضر در دادگاه تنظیم شده مینویسد: بزه انتسابی بدو نفر متهمان مجرّم و مسلم و در درجه جنایت میباشد عمل آنها منطبق است با ماده یک قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور و باین ترتیب ما را از سه سال تا ده سال زندان محکوم کرده اند. مقدمتاً باید عرض کنم که منم مثل همه افراد مملکت معتقدم که نظم جامعه بدون وجود قانون مقدور و امکان پذیر نیست - وقتیکه نظم نباشد همه در انتخاب راه و رسم زندگی سرگردانند. بنا بر این قانون برای جامعه لازم و مقدس است. حال میخوانم بدانم که قانون و علت و منشأ آن از کجاست؟ چگونه بوجود میآید و در چه صورتی باید اجرا شود و کیفیت اجرای آن چگونه است و چگونه باید باشد. البته قصد این نیست که در این باب وارد کلیات مطلب بشوم و به تجزیه و تحلیل امر بپردازم اما همبمقتبر میخوانم عرض کنم وقتیکه میگویند هر جامعه در هر مرحله ای که قرار دارد حیات آن بر اساس قانون استوار است - برای اینست که قانون روش زندگی است و از جامعه برخاسته و همیشه و در همه حال مافوق زمام داران و حتی سلاطین است. اکثر فلاسفه میگویند که سلطان و زمامدار نه تنها مافوق قانون نیست بلکه مطیع قانون است و باز

میگویند که قانون - قانون جامعه است نه قانون عدهای بخصوص و یا دستگاه بخصوص. امیراطوران رم حتی تصدیق میکردند که باید مطیع قانون باشند و وزن و اعتبار خود را در سایه قانون میجستند. حال از انواع قانون و کیفیت تصویب آن بگذریم میخوانم ببینیم و بدانیم که چرا و بجه علت دسته دسته و گروه گروه از افراد مملکت ما را بارتکاب عمل غیر قانونی و یا تخطی و تجاوز از قانون متهم میکنند. بعلاوه مسئله اطاعت از قانون چگونه و بجه ترتیب و تا چه حدی میباشد و اصولاً چرا و چه موقع مردم موظف با اجرای قانون و اطاعت از آن هستند. نظر های زیادی در این باب است که از بحث همه آنها صرفنظر میشود خلاصه آن اینست که عده ای در این باره میگویند مردم باید مطیع قانون باشند مگر در موردی که قانون تصادم با قوانین بالا تر مانند قانون الهی یا فوق طبیعی که مسلماً آزادی عقیده، بیان، قلم، مذهب، فلسفه و سیاست که جزء آنست داشته باشد. دسته دیگر عقیده دارند که قانون را باید اجراء کرد مگر در موافقی که بحسب قضاوت جامعه، عدم اطاعت آن ارزش بیشتری و بهتری برای جامعه داشته باشد و باعث ترقی و سعادت و بیداری جامعه باشد. مهمتر از همه اینها قانون موقعی باید اجراء شود و اطاعت گردد که وجدان باطنی افراد صحت و عدم نقض آنرا تأیید نماید. بعبارت دیگر وقتیکه قانون مورد قبول وجدان فرد واقع نگردد و شایسته و کافی بنظر نرسد، الزامی به اطاعت آن ندارد و میتوان آنرا کان لیم یکن تلقی نمود. شادروان د کتر تقی ارانی در این باب میگوید: «فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد». خلاصه اینکه از طرف مدعیان و مجریان اجرای آن نیز لاقلاً محترم و معتبر شمرده شود و بدون تغییر و تبدیل رعایت گردد. برای روشن شدن مطلب مثالی میزنم و شاهد زنده ای را ارائه میدهم و انتظارتانست که دقیقاً توجه فرمائید: همه شما میدانید که از سالها قبل کشت خشکاش و بطور کلی مصرف و خرید و فروش مواد مخدره بخصوص تریاک و مشتقات آن برابر مواد قانون ممنوع اعلام شده است و باز میدانید که وارد کردن تریاک از خارج بهر نحوی از انحاء تحت هر عنوانی غیر قانونی و این کار بوسیله افراد عادی مقدور نیست و یک شخص نظیر من و حتی شما ها قدرت ندارد ذره ای مواد مخدره از خارج وارد کند. حال بمن فرمائید تریاک بصورت کیلو، من، خروار و حتی تن بجه وسیله و چگونه در بین مشتکی از افراد مملکت ما توزیع میگردد؟ در نتیجه زندانها از فروشنده و خریدار و بالاخره مصرف کننده هر وین و غیره پر شده است؟ مثال دیگری عرض میکنم چندی قبل جشنی که مناسبت آنرا در نظر ندارم در زندان تشکیل میشود و دادستانی کل ارتش در حضور جمعی زندانی و غیر زندانی صریحاً ضمن بیان مشروح خود میگوید ما شما را به این دلیل باینجا آورده ایم و زندانی کرده ایم که دیگران به بینند و عبرت بگیرند و دنبال دنباله در صفحه ۴

## آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده در دادگاه تجدید نظر نظامی

ماجراها و سر و صدا های سیاسی نگردند. وی بستخان خود چنین ادامه میدهد آندسته از زندانیان که جوان هستند و قسرتی دارند آنها را آنقدر در زندان نگه میداریم تا پیرو علیل و فرسوده شوند و سپس از زندان بیرون بروند. دسته دیگری که نسبتاً پیر و سالخورده هستند آنقدر خواهند ماند که جنازه آنها از زندان خارج گردد. این حرف کاملاً درست است و بهمین ترتیب از سالها باین طرف اجرا میگردد. اما وجدانا آقای رئیس دادگاه و قضات محترم از شما که تحصیل کرده و حقوقدان هستید میرسم مگر زندانی کردن افراد یا استخلاص آنها و بالاخره استفاده از عفو و غیر آن نباید تابع قانون و آئین و مقررات خاص باشد؟ بمن بفرمائید اگر این رویه که دادستانی ارتش در پیش گرفته است و اجرا میکند درست است پس تکلیف قانون چیست؟ قانون چکاره است؟ کجاست؟ چرا اجرا نمیشود؟ و اگر شکستن و عدم اجرای قانون جرم است پس چه کسی میتواند مجرم و متخلف را تحت تعقیب قانونی قرار دهد؟ آقای رئیس دادگاه! قضات محترم! آیا این است معنی و ارزش واقعی وجود قانون؟

موازندی از این قبیل قانون شکنیها، بعدالتیها، بی بند و بارها در کشور ما وجود دارد که من از گفتن آنها خودداری میکنم زیرا خوشبختانه شما همه مال این مملکت و مربوط به این آب و خاک هستید و در جریان قرار دارید و خوب میدانید که چه میخواهم بگویم حال بر گردیم باصل مطلب: اولاً در مورد غیر قانونی بودن دسته و جمعیتی با رویه و مرام اشتراکی:

اطلاع دارید باصطلاح قانونی که در این باب وضع شده مربوط به سالهای قبل از حادثه ۱۳۲۰ یعنی خرداد ۱۳۱۰ است که ماده ۶۰ قانون جزا نسخ شده و ماده یک و دو جانشین آن گردیده است من این دو ماده را عیناً بیکبار دیگر قرائت میکنم زیرا جهان مطلب در همین جاست و همه اسرار در همین یک دو جمله نهفته است. ماده ۱ هر کس در ایران بهر اسم و یا عنوان دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی تشکیل دهد و اداره نماید که مرام و رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و یا رویه یا مرام آن اشتراکی باشد و یا عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی شود که با یکی از مرامها یا رویه های مزبور، در ایران تشکیل شده باشد. ماده ۲ هر ایرانی که عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی باشد که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران یا مرام یا رویه آن اشتراکی است، اگرچه جمعیت یا شعبه در خارج تشکیل شده باشد. منتهی در این مورد بخصوص که بوط به سر نوشت من و رفیق منست اندکی تر توجه فرمائید. در آن موقع همه میدانند که هسته اصلی سوسیالیستی و بالخصوص لوزی مارکسیسم - لنینیسم بصورت یک کوچکی ابتدا در کشور شوروی رسیدن گذاران و پیشروان این ایده لوزی

وجود آمد. جهانیان در آن عصر بدان با دیده ابهام آمیزی نگاه میکردند. جهان سرمایه داری بخصوص کشورهایی که رژیم آنها بر پایه استعماری و امپریالیستی مستقر بود پیشرفت و گسترش ایده لوزی علمی را طبعاً مانع سود جوئی و سد راه خود تشخیص دادند و آشکارا و پنهانی با آن به مبارزه برخاستند. رژیم آن زمان ایران هم خواهی نخواهی از آنها پیروی کرد و هیأت حاکمه و حکومتهای وقت که از مشتاقان و خواین و شاهزادگان خواب آلود و بی اطلاع تشکیل میشد تصویب و طرح چنین قانونی را برای حفظ موقعیت و ادامه تسلط جابرانه خود لازم دیدند. باین ایده لوزی که در قدم اول خود تمام سنن و قرار داد های نگین تزار را در مورد ایران لغو کرد و زیر پا گذاشت با دیده شک و تردید نگاه میکرد. اما امروز تئوری مارکسیسم - لنینیسم بصورت یک پدیده جهانی در آمده - دنیای دور و نزدیک و ملل پیشرفته و در حال رشد با آغوش باز آنرا میپذیرند و یکی بعد از دیگری بان میگردند تنها در کشور اتحاد جماهیر شوروی و چین بیش از ۹۰۰ میلیون نفر بقاصه کوتاهی بان گرویده و از آن پیروی مینمایند آیا اصولاً صحیح بنظر میرسد که ما در چنین عصر و زمانی نسبت به مارکسیسم مانند نیم قرن قبل فکر کنیم و با دیده ۵۰ سال پیش بدان بنگریم و پیروان آنرا متهم کنیم باینکه اقدام بر علیه امنیت و استقلال کشور خود میکنند؟ مگر اینها همان پیروان مکتب مارکسیسم - لنینیسم نبودند و نیستند که برای حفظ آزادی و استقلال کشور خود و نیز رهائی دیگر کشورها از ستم فاشیسم در برابر هجوم وحشیانه ارتش هیتلری سینه سپر کردند و میلیونها تلفات دادند؟ درست توجه فرمائید در کشورهایی که پس از جنگ دوم جهانی تا کنون زنجیر بیرحانه استعمار را یکی پس از دیگری گسسته و باستقلال نائل آمده اند؛ در صف مقدم آنها چه کسانی قرار دارند شیفتهگان آزادی و پیشروان نهضت های ملی در اکثر کشورهای تازه استقلال یافته چه کسانی هستند. در الجزیره، کره، عراق، کنگو هم اکنون در ویتنام چه کسانی در برابر نیروی مهاجم امپریالیسم امریکا با آن سلاح مدرن و وحشتناک در برابر آزادی و استقلال کشور خود شجاعانه می ایستند و جان شیرین خود را در کف گذاشته در خون خود غوطه میخورند. واقعا بی انصافی نیست اگر کسی بخواهد آنها را متهم باختلال در امنیت کشور نماید؟ حال بر گردیم در مورد اتهام خودمان. میگویند عضو حزبی هستیم که منجمله و غیر قانونی اعلام شده است باید بدانیم که چرا حزب توده ایران منجمله و غیر قانونی اعلام شده و چه کسانی اینکار را کرده اند. به نیست شما هم باین واقعیت توجه فرمائید. باز برای اینکه وارد جزئیات مطلب نشوم و مطلب بطول نیانجامد از ذکر تاریخچه کیفیت مبارزات

ملی و نقشی را که حزب ما در بیدار کردن مردم و بوجود آوردن جنبشهای ضد امپریالیستی داشته است صرف نظر میکنم و وارد جزئیات امر نمیشوم. اما همه ما خوب بخاطر داریم که حزب توده ایران در بین قشرهای مختلف مملکت ما ریشه دوانده است و بر خلاف میل باطنی و علیرغم کار شکنیها و سمبایشهای دشمنان خارجی و عمال داخلی آنها در سالهای قبل از ۲۷ بتدریج داشت اوج میگرفت و بخصوص مبارزات امپریالیستی و شعارهای ضد لاجواب آنرا مردم همه پذیرفته بودند. برای اینکه بهانه ای بمنظور جلوگیری از توسعه آن بدست آورند در سال ۲۷ حادثه ۱۵ بهمن دانشگاه را بوجود آوردند و روشن است که حزب ما هرگز در صدد بوجود آوردن چنین صحنه هائی نبوده و از این قبیل حوادث بطور کلی نفرت داشته است. بر همه روشن است که حادثه آفرینی و کودتا سازی از نظر حزب ما همیشه مردود بوده است. بهر حال خوشبختانه حوادث بعدی بخوبی پرده آزروری راز و معما برداشت تا جائیکه رئیس مملکت در یکی از سخنرانیهای خود بصراحت اشاره میکند که هسر ضارب من در سفارت انگلیس کار میکرده است و انتساب فرد ضارب و سوء قصد کننده به سازمانهای غیر حزب توده ایران بعد ها مسلم میشود. در خلال این جریان وزیر کشور وقت که همه افراد مملکت بخوبی او را میشناسند و بخصوصیاتش تا حد زیادی واقف هستند، طرحی در هیئت وزراء میرود و برای جلب رضایت اربابان خود حزب توده ایران را منجمله و غیر قانونی اعلام میدارد، اما با وجود این در پیشرفت و توسعه حزب کمترین اثری نمیکند و حزب همچنان پایگاه خود را در میان مردم حفظ مینماید. کودتای نظامی سال ۳۲ نقشه سال ۲۷ را تکمیل میکند و متعاقب آن کشتار شدید بره میاندازد. چقدر خوب است که شما خودتان نتیجه آن کشتار را بررسی کنید و اندکی تعمق نمائید و ببینید در بین افکار عمومی چه اثری گذاشته است و چگونه عاملین اصلی کشتار، امروز با تمام تجاوز بجان و مال و ناموس مردم و نیز تنظیم گزارشهای خلاف واقع تحت تعقیب قرار گرفته و اموال آنها مصادره میگردد و بعد از آن نیز از طرف مردم عنوان آیشن لقب داده شده است. از این بگذریم، از طرف دیگر حزب همچنان بکارش ادامه میدهد و پیروان آن بتدریج عمقتر و مؤتمتر بان میگروند. بررسی اجمالی سازمانهایی که از سال ۳۲ تا کنون مرتباً کشف و افراد آن دستگیر شده اند خود واقعیت امر را روشن میکند، طرف دیگر قضیه اینست که از سال ۲۷ تا کنون هیچیک از دولتهای وقت و حتی مجلسین شورا و سنا که همه از کیفیت انتخابات و تشکیل آنها اطلاع دارید در مورد انحلال و غیر قانونی بودن حزب توده ایران کمترین اظهار نظری نکرده اند در تعجب از اینکه تصویب نامه هیئت وزراء در سال ۲۷ آنها با آن کیفیتی که باختصار عرض شد چرا باید بمنزله آیه آسمانی تلقی گردد و تا دنیا باقی است باید بقدرت خود معشر و باقی بماند؟ آیا مراجع و مقامات عالیتر و معتبر تر، از آن تاریخ تا کنون

بوجود نیامده که در باره انحلال و غیر قانونی بودن حزب توده نظر بدهد؟ یا لاقلاً آن تصویب نامه را تأیید نماید؟ گذشته از آن این چه تصویب نامه قانونی است که تا کنون هیچکس بدان توجه نکرده و مورد قبول هیچکس واقع نشده فقط کلمه منجمله و غیر قانونی بصورت عادت و معمول در زبانها جاری میشود. حال من میخواهم ببینم چه کسانی اصولاً سنگت غیر قانونی بودن حزب توده ایران را بسینه میزنند و چگونه بدین ترتیب فقط منافع و اغراض شخصی خود را تأمین مینمایند؟ قبل از همه آنها سازمان امنیت در اینکار پافشاری دارد این سازمان عریض و طویل نه تنها در مورد حزب توده ایران بلکه در مورد هر سازمان ملی و مبنی دیگر پیرونده سازی میکند. سالیان دراز است که در راه مظنون تراشی کار میکند هر کس را با چشم پر از سوء ظن میگرد و با توجهات عجیب و غریب خود، هزاران بیگناه را با خاک یکسان کرده و دودمانشان را بر باد داده است. با صرف بودجه بی حسابی که در اختیار دارد برای جاسوسی وحشتی بی سابقه در کشور کرده بطوریکه دو نفر دوست نزدیک بهم جرأت ندارند با یکدیگر آهسته حرف بزنند کار جاسوسی و تفتیش افکار و عقاید تاحدی بالا گرفته که پدر قادر نیست گرفتارهای روزمره خود را با پسر در میان گذارد. سازمان امنیت همان قانون فجایی است که به مؤسسه تفتیش و کنترل عقاید قرون وسطائی بیشتر شباهت دارد.

من میخواهم از شما بیرسم که آیا اظهارات انتقاد آمیز چند جوان دانشجو، چند کاسب، چند کارگر، چند کشاورز و جمع شدن آنها بدور هم قیام بر علیه یک حکومت میتواند محسوب شود و صدمه به استقلال کشور وارد آورد؟ قانون، عدالت، وجدان، حقیقت کجا حکم میکند که آنها گروه گروه، دسته دسته از طبقات مختلف مردم بجرم آزادی خواهی و بیگناه این با استعمار مبارزه میکنند و با افکار و تمایلات دموکراتیک دارند و بالاخره صاحب عقیده مستقل و مشخص هستند و یا از یک ایده نو لوزی خاصی متابعت میکنند بشکلی گاهها و زندانها بکشاند و سالها در آنجا نگهدارند و سپس بصورت فردی معلول و دودمان برباد رفته رهائشان سازند و تازه مانند سایه همیشه در تعقیبشان باشند؟ در کجای این مملکت شما کوچکترین اثری از دموکراسی و آزادی مبینید و آیا نامی از باصطلاح آزادی جز در روزنامه های مزدور و دستگاہ تبلیغاتی راديو جای دیگر مشنود؟ در کجا و چه وقت آقایان روحانیون حتی برای انجام فرائض دینی نمیتوانند در گوشه مسجد دور هم جمع شوند؟ از بعد از حادثه مرداد ۳۲ تا کنون چه وقت مردم این مملکت توانسته اند در انتخاب سر نوشت خود، در انتخاب نمایندگان مجلسین و حتی در انتخاب انجمنهای محلی کوچکترین مداخله ای داشته باشند و بتوانند اظهار نظر نمایند. همه شما جریان ساختمانی گذرگاه آزاد زنان و آزاد مردان

## آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده در دادگاه تجدید نظر نظامی

را خوب میدانید و شما خوب میدانید که در انتخاب مجلس در ادوار گذشته و دوره حاضر تا چه حد اراده مردم مداخله داشته است. چقدر خوبست از وکلای فعلی حدود و ثغور و کیفیت و بالاخره وضع جغرافیائی حوزه انتخابیشان را سؤال بفرمائید، از خود مردم پرسید و کیل شما کیست؟ کیجائی است؟ و چگونه آدمی است؟ اینهاست نمونه آزادی در کشور ما، اینهاست که مردم را از اجرای قانون و اطاعت از آن باز میدارد. چرا راه دوری برویم، در همین دادگاه حاضر آیا آنچه که قانون گفته است در باره ما رعایت میشود، چه کسی صلاحیت دادگاه را تصویب میکند؟ هیت منصفه کو که در قانون بصراحت از حضور آن در دادگاه صحبت شده؟ وکلای مدافع کیجا هستند؟ برای ما دو نفر کارگر ساده و باصلاح متهم ردیف ۱ و ۲ وکیل تسخیری انتخاب کرده اند و میلی که در دادگاه در بسته نظامی شرکت میکند پیدا است که روی او هزار بار مطالعه شده است و محک و محکهای مختلف گذشته معذالک و قتیکه در باره پرونده و نحوه دفاع با ایشان صحبت کردم در جواب گفتند که من از دفاع قانونی معنورم پرسیدم پس وظیفه وکالت را چگونه و بچه ترتیب انجام خواهی داد؟ گفت چند دقیقه ای مینشینم و بی کار خود میروم. اینست مفهوم آزادی در کشور ما، اینست آن آزادی که حتی وکیل مدافع از دفاع قانونی وحشت دارد. وکیل که جرأت ابراز مطلب ندارد از مطبوعات و جراید و تماشاچی و وجود هیت منصفه هم خیری نیست از دو کارگر ساده هم کاری ساخته نیست پس چه کسی باید جواب ادعا نامه دادستان را بدهد؟ چه کسی باید به دادستان بگوید که عضویت در حزبی که مبادی نه ثلوثی علمی دارد، حزبی که تا اعماق فکر مردم برای خود جا باز کرده است، حزبی که تنها دستگیره و پایگاه مبارزه با امیرالایسم خون آشام بین المللی است، یک حزبی که بخاطر آزادی طبقه کارگر و اصناف و احقاق حقوق اجتماعی و برای ریشه کن کردن سیستم فئودالی و خان خانی صد ها و هزارها قربانی داده جرم نیست، گناه نیست، کیفر و مجازات ندارد. آقایان محترم مراجع قضائی و حقوقدانان بزرگ دیگر در برابر جرم معین مجازات معین تعیین نمیکنند با ما شما در برابر جرم مجهول میخواهید مجازات تعیین کنید و حتی به علل و جهت آنهم توجهی ندارید. مگر حزب توده ایران چه گفته است، چه میگوید و چه میخواهد بکند که عضویت در آن جرم وطن فروشی است، بیگانه پرستی است و مخالف با استقلال و امنیت کشور است. حزب توده ایران از همان آغاز تشکیل خود تا کنون همیشه گفته است و میگوید با کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که بیش از ۲ هزار و چند صد کیلومتر با ما مرز مشترک دارد باید دوست بود احترام متقابل بوجود آورد. حزب توده

قانون و مقررات بمنزله یک قطعه لاستیک در دست مشت از متنفذین و ثروتمندان قرار گرفته و بهر نحو که بخواهند و بهر طریق که منافعشان ایجاب نماید میکشند آزادی طبقه کارگر و وجود کار در مملکت، وجود احزاب مختلف، آزادی مطبوعات، آزادی انتخابات، توجه بقشرهای مختلف زحمتکش مملکت، همه و همه اینها بشوخی و تعارف بیشتر شباهت دارد از حدود حرف و مجامله هرگز تجاوز نمیکند آیا وجود چنین اوضاع و احوالی نمیتواند و نمی باید محرک و مشوق من و دیگران بشود که به نهضتهای دمکراتیک یعنی سازمانهای وابسته به حزب توده ایران؛ کمرویم و بان عشق بورزیم و نسبت بدان وفادار باشیم؟ در بازجویی از من میپرسند که چرا گفته ام حزب توده ایران رسالت تاریخی دارد و چرا بان گرویده ام و حتی در ادعایمانه باین اظهار من بصورت یک سند جرم تکیه شده و مرا در ردیف مجرمین جنائی قرار داده اند. اولاً من میخواهم بدانم که چرا اساساً در قانون مجازات عمومی ایران فعالیتهاییکه بر مبنای ایده ثلوثی مارکسیسم-لنینیسم استوار است، عبارت دیگر تشکیل مجامع دمکراتیک را بچه مناسبت جرم شناخته اند و برای آنها مجازات سخت و سنگین در ردیف جرائم جنائی قائل شده اند و این خود تأسف آور است که بیروان چنین مکتبی را متهم بوطنفروشی و اجنبی پرستی و جاسوسی میکنند و قتیکه باین سلسله مطالب و اتهامات برمیخوریم و واقعاً برای من این شک پیش میاید که تمام مردم شوروی، خلق چین، ملل کشورهای سوسیالیستی و حتی عده کثیری از مردم فرانسه، ایتالیا و دیگر کشورهای که بسوسیالیسم گرویده اند باید جاسوس و اجنبی پرست باشند و من نمیدانم این انسان های مترقی و پیشرفته با جهان بینی علمی بنفع چه کشوری جاسوسی میکنند و کدام اجنبی را میپرستند؟ بنظر من که یک عضو ساده حزب پیش نیستم و نمیدانم اصولاً فعالیتهای ناچیز مورد قبول پیشگاه حزب و مکتبم واقع بشود یا نشود حزب توده ایران بفعالیت خود ادامه میدهد و خواهد داد و تنها حزبی است که به قشرهای زیرین جامعه وابستگی دارد حزب توده ایران، حزب طبقات زحمتکش یعنی کارگران، دهقانان، پیشه وران و روشنفکران آزادیخواه است. بنا بر این طبقه کارگر که منم فردی وابسته بان هستم با سلاح عامی جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم مجهز شده و طبعاً در این راه تجارب با ارزش ملتھائی که با بکار بستن این جهان بینی رژیم سوسیالیستی در کشور خود بوجود آورده اند و طبعاً کشور شوروی پایگاه و در رأس همه آنها قرار دارد بکار میبندد و از آن سرمشق میکگیرد. در زمینه سیاست خارجی حزب من همواره طرفدار همکاری دوستانه با کلیه کشورهای آزادیخواه براساس تساوی حقوق ملل و حفظ صلح جهان بوده است. چنانکه بیرون کشیدن کشورها از اردوی جنگ و تجاوز و کشتار و بیوستن به جبهه صلح و دموکراسی جزو اهم برنامه ها و شعارهای حزب ما بوده است. در زمینه سیاست داخلی اولین بار جمعیت ملی مبارزه با استعمار که

امروز در تمام دنیا حتی در بین کوچکترین و عقب افتاده ترین ملل اوج گرفته است، سازمان زنان، مداخله دادن زنان در امور جاری کشور، تساوی حقوق زن و مرد، جمعیت ایرانی طرفدار صلح، جمعیت حمایت کودک، همه بوسیله حزب ما بوجود آمده و پایه گذاری شده است. مگر حزب توده ایران نبود که از آغاز تشکیل حزب همیشه گفته است و میگوید قروض دهقانان بما لکن بزرگ ارضی را لغو کنید، زمینهای فئودال های بزرگ را مالکین عمده و خوانین را بدون استثناء و بلاعوض در بین کشاورزان بی زمین و کم زمین تقسیم کنید و مسائل کشاورزی کافی در اختیارشان بگذارید. مگر حزب توده ایران نبود که میگفت باعمال خودسرانه برخی مأمورین و متصدیان امور خاتمه دهید و دستگاههای اداری و دولتی را از وجود عناصر ناصالح، سود جو و متجاوز به حقوق و نوامیس ملت تصفیه کنید. چرا امروز بختیارها را که مانند مرغ از قفس پریده اند دنبال میکنند و اعمال و افعال آنها را در جراید منعکس میکنند؟ سالها پیش از این حزب توده ایران پرده از این رازها برداشت تنها گوش شنوا وجود نداشت و از روزنامه اطلاعات دستور توقف اموال سیهید تیمور بختیار صادر شد، سیهید بازنشسته تیمور بختیار با اتهام انحراف، سودجویی و تجاوز بحقوق و ناموس مردم محاکمه خواهد شد. ضمن صدور یک اعلامیه رسمی اداره دادرسی نیرو های شاهنشاهی اعلام داشت که دستور بازداشت و ضبط کلیه اموال بختیار داده شده است. متن اعلامیه بدین شرح است: «اطلاعیه اداره دادرسی نیرو های مساج شاهنشاهی - ضمن بررسی پرونده ها و سوابق موجود در شعب بازرسی دادستانی ارتش معلوم شد که سیهید بازنشسته تیمور بختیار که زمانی حساسترین مشاغل را در این کشور بعهده داشته و از هرگونه نعات این کشور بهره مند شده شخص منحرف، استفاده جو، متجاوز بحقوق و نوامیس اشخاص بوده و از طریق نامشروع اندوخته های بیکرانی بدست آورده است، با توجه باقدمات اصلاحی و انقلابی مملکت که تحت رهبری شاهنشاه آریا مهر در سالهای اخیر صورت گرفته است بدون هیچگونه ملاحظه و تبعیض کسانیکه بنحوی از انحاء علیه مصالح و منافع عمومی ملت و مملکت اقدام نموده باشند تحت تعقیب قرار گرفته و بکیفر خواهد رسید لذا دادستانی ارتش ضمن جمع آوری دلایل و مدارک کافی که تماماً حاکی از اقدامات سودجویانه و خلاف قانون سیهید بازنشسته تیمور بختیار بوده و معلوم گردیده که وی ضمن تقدیم گزارشات خلاف واقع برای تأمین منافع نامشروع شخص خود از انجام هیچگونه اقدامی فروگذار نکرده است. بدین لحاظ دستور بازداشت کلیه اموال نامبرده صادر و پرونده متشکله مراحل قانونی خود را طی و به کلیه اتهامات منتسب باو در دادگاه رسیدگی و جریان امر بموقع به استحضار ملت خواهد رسید.»

دنباله از صفحه ۱

## ما برای وحدت عمل آماده بوده ایم و هستیم

پس از این دعوت از همه نیروها در داخل و خارج از کشور، در اعلامیه تصریح شده است:

«تجارب چندسال اخیر نشان داده است که در صورت تمرکز نیروهای موجود در جهت صحیح و هماهنگی اقدامات و استفاده درست و کامل از وسائل و امکانات موجود در خارج از کشور میتوان حکومت استبدادی ایران را از انجام بسیاری از توطئه‌ها و تجاوزات بحق مردم بازداشت و از این راه نه تنها به تحکیم حقوق مبارزان، بلکه هم چنین به تحکیم شرایط گسترش مبارزه در داخل کشور کمک رساند.»

(تکیه روی کلمات از ماست - مردم)

ما نمی دانیم تنظیم کنندگان اعلامیه از اشارات مندرجه در عبارات فوق چه تجربه یا تجارب مشخصی را در نظر داشته‌اند، ولی بنظر ما در اینجا صریحاً به عمل مشترک نیروها در دفاع از جان پرویز نیکخواه و یارانش و بجنوردی، حکمت جو و خاوری اشاره شده است و در پس عبارت «وسائل و امکانات موجود در خارج از کشور» نمی توان بباد نقش برجسته‌ای که در جریان آن مبارزات، رادیوی پیک ایران ایفاء کرده است نیاقتاد.

ما پیوسته برای وحدت عمل با کلیه نیروهای مخالف رژیم در زمینه‌های مختلف مشخصی آماده بوده‌ایم و اکنون نیز آماده هستیم. ما پیوسته در دفاع از حقوق انسانی و مدنی قربانیان رژیم ترور و اختناق با کلیه وسائل خود کوشیده‌ایم و اینک نیز میکوشیم. ما پیوسته اسناد و اعلامیه‌های هر سازمانی را که محتوی آنرا بسود مبارزه خلق بدانیم با کلیه وسائل خود و از آنجمله بوسیله رادیوی پیک ایران که تریبون پر حیثیت و نفوذی است پخش کرده‌ایم و از آنجمله اعلامیه مشترک سازمانهای چهارگانه حزب ملت ایران (در خارج)، حزب مردم ایران (در خارج) جمعیت نهضت آزادی ایران (در خارج) و جامعه سوسیالیستهای ایرانی در اروپا را که اخیراً درباره جلسه حقوق بشر در تهران صادر شده است نیز پخش کردیم و در آینده نیز چنین خواهیم کرد. ما پیوسته بر آن بودیم که نیروی ضد رژیم نیرویی وسیع ولی پراکنده است. اگر در میان سازمانهای سیاسی، صفوف و اقشار مختلف مبارزه در خارج از کشور و بین خارج و داخل کشور هماهنگی برقرار گردد، رژیم دچار مشکلات جدی خواهد گردید و حداقل آنست که مجبور است از موضع کنونی خود عقب نشینی کند. ما این مطالب صحیح و اصولی را به کرات و مرات گفته‌ایم با آنکه سازمانهای مورد خطاب ما همیشه در قبال این تذکرات برخورد منفی کردند. ما پیوسته بر آن بوده‌ایم که ادامه تلاش در

جهت وحدت نیروها لازم است و باید ادامه یابد زیرا در مصلحت مردم است، زیرا اصولی است و آنچه که اصولی است و در مصلحت مردم است دیر یا زود راه خود را به پیش خواهد گشود.

بهر جهت ما وظیفه داریم و مایلیم اعلامیه مورد بحث را بفال نیک بگیریم. در خطاب به همه نیروهای مترقی ضد رژیم می گوئیم: دوستان! بدوران طولانی تفرقه نیروها و مشاجرات داخلی خاتمه دهیم! هر یک با حفظ اصول مرامی و سازمانی خود، در آن نکات مشخصی که نظر و منفعت مشترک داریم، دست به عمل هماهنگ زبیم و بدینسان برای مردم ایران امید و منظره واقعی‌رھائی پدید آوریم!

مناسبت روز اول ژوئن، روز بین المللی کودکان از همه پدران و مادران ایرانی دعوت میکنیم تا با تشدید مبارزه علیه عوامل سبه روزی کودکان، آینده بهروز و تابناک نونهالان خویش را تأمین کنند.

دنباله از صفحه ۵

آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده

در هر صورت بر ما طقه کارگر مسلم است که ترقی و سعادت ملت و رفاه ملت عزیز ایران فقط در سایه یک رژیم دمکراسی حقیقی و حکومت مردم بر مردم که حزب مامجری و بشمر رساننده آن است مقدور خواهد بود. رژیم دیکتاتوری و سلب اراده و اختیار ملت فقط برفع طقه حا که و برفع ارتجاع و بالاخره بسود و دلخواه امپریالیسم است و بس. دست ما را در اداره امور مملکتمان باز بگذارید ما را بی سبب متهم به بیگانه پرستی نکنید. توسعه زندانها و زندانی کردن بی سبب افراد برفع شما و هیچکس نیست. ما عشقی جز وطن و سعادت ملت خویش نداریم. ما میخواهیم وطن ما بتمام معنی و از هر جهت مستقل و آزاد باشد. میخواهیم مداخلات بیگانگان در کشور ما بفر نخوی و بفر عنوان و نهادهای که صورت میگردد قطع گردد درست توجه کنید در کیفیت کنونی و اوضاع فعلی جهان از این وضع رقت بار که مردم مملکت ما دارند چه کس و چه کسانی سود میبرند، از مستی مردم گرسنه و بیکار، از مستی مردم مسلوب الاختیار چه اسراری در کار است که بگذارید ملت ما از مزایای آزادی و

آزادگی برخوردار باشد. بگذارید ملت در راه استقلال و وطنشان سر و خان فدا کنند موج آثار دمکراسی، انهدام نهضت‌های مترقی و سازمانهای ملی و بالاخره تار و مار کردن هر نوع جنبش که رنگ و سمای ملی داشته باشد برفع هیچکس نیست بجز امپریالیسم دیگر عرضی ندارم.

## تسلیت

با نهایت تأسف از درگذشت بانو لنگرانی مادر محترمه رفیق ارجمند مصطفی لنگرانی اطلاع حاصل کردیم. بدینوسیله این ضایعه را برفیق مصطفی لنگرانی و همه افراد خاندان محترم لنگرانی از صمیم قلب تسلیت میگوئیم.

## خوانندگان ما بما مینویسند

در جلسه کارگران شهرداری تهران که حکم شده بود همه کارگران در آن شرکت کنند و اشخاصی را که قبلاً تعیین شده بودند انتخاب نمایند، فقط عده کمی شرکت کردند و باینجهت رؤسای شهرداری، ۴۰۰ نفر از کارگران را یک روز جریمه نمودند.

در کارخانه چیت سازی، کارگری را که سکار میکشید تهدید باخراج میکنند. رؤسای کارخانه میگویند بما دستور داده اند که کارگر هنگام کار حق ندارد حتی آب و غذا بخورد و سیگار بکشد. اینها همه اکیداً ممنوع است.

در فروشگاه گفتش ملی تهران، فروشنده‌ها مجبورند از ساعت ۷ صبح تا ۱۲ و از ۲ بعد از ظهر تا ۱۰ شب و روزهای عید تا ساعت ۱۲ شب کار کنند و فقط روزهای جمعه از ساعت ۳ بعد از ظهر از کار آزاد میشوند و آنوقت، ماهانه فقط ۴۰۰۰ ریال دستمزد به آنها داده میشود. در همان کارخانه، امریکائیانی که معلوم نیست تخصص شان چیست، حقوقهایی از ۶ هزار تومان تا ۱۴ هزار تومان میگیرند.

کارخانه ماشین سازی تبریز به ۲۰۰ نفر کارگر احتیاج داشت. قریب ۳۰۰۰ نفر در مسابقه استخدامی شرکت کردند. ولی ۲۰۰ نفری که قبلاً با پول و پارتی قول استخدام خود را گرفته بودند، استخدام شدند. بین داوطلبان، جوانان دیلمه هم دیده میشدند.

در شهر بروجرد ماهی نیست که چند نفر از کسبه ورشکست نشوند، اغلب کسبه با کمک بانکها سر با ایستاده اند. اگر بانکها اعتباراتی که به پیشه وران داده اند، یکجا طلب کنند، اکثر آنها ورشکست خواهند شد. هر بار که بانک جدیدی باز میشود، مدتی با وام اقساطی جلوی ورشکستگی را میگیرد، ولی باز بعلت فقر مردم، بیکاری، مالیاتهای سنگین و عوارض شهرداری، کسبه ورشکست میشوند. هم اکنون ۱۳ بانک در این شهر مشغول کار است که سود آنها بجنب چند سرمایه دار میرود. اکنون این چند تن سرمایه دار تصمیم دارند در عوض تأسیس کارخانه، باز هم سینمای جدیدی افتتاح کنند.

در یکی از دهات شمال که فاطمه پهلوی تعلق دارد ۱۵۰ هکتار جنگل را برای برنجکاری بریده اند و خواسته اند آب آنرا از ده مجاور تأمین کنند، دهقانان ده مجاور متفقاً مقاومت میکنند و مزدوران فاطمه را از

دنباله از صفحه ۱

## نامه عده‌ای از زندانیان سیاسی

شکنجه میشوند. بر خلاف ماده ۵ عده‌ای از زندانیان سیاسی در ۲۰ سال اخیر بقتل رسیده‌اند.

هم اکنون، مانند گذشته زندانیان سیاسی در قزل قلعه و زندان اوین و مرکز سازمان امنیت و شهرستانی مخوفترین محل شکنجه، باز پرسی و شکنجه میشوند.

زندانهای سیاسی در دادگاههای درسته نظامی محاکمه و محکوم میشوند و حق ندارند آزادانه از خود دفاع کنند و بر خلاف ماده ۸ حتی حق انتخاب و کیل مدافع را نیز ندارند و مجبورند از بین کسانی که دادگاه تعیین میکند و کیل خود را انتخاب نمایند.

هر وقت که مقامات انتظامی تصمیم بگیرند میتوانند زندانیان را به زندانهای دور دست و نقاط بد آب و هوای کشور تبعید نمایند.

مانند دژ برازجان، زاهدان، بندر عباس خرم آباد، کرمان، اصفهان، قزوین، بروجرد اراک، بابل اهواز رضائیه و غیره. عده زیادی از زندانیان سیاسی سالهای متمادی است که در این زندانهای دور دست زندانی هستند و بر خلاف ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر، اینها بخاطر داشتن عقیده سیاسی محکوم اند که تا آخر عمر در این زندانها انواع و اقسام محرومیت‌ها را تحمل کنند. در ۲۰ سال اخیر، افرادی فقط بخاطر عقیده سیاسی خود محکوم باعدام شده، ده ها نفر تیرباران شده‌اند و هم اکنون کسانی در زندانها هستند که از ۹ تا ۲۰ سال است که در بندند.

بخاطر بدی زندانها، نبودن کمکهای طبی و بهداشتی و دیگر محرومیتها تقریباً همه زندانیان سیاسی از بیماریهای گوناگون رنج میبرند. با زندانیان سیاسی خارجی نیز که در ایران زندانی هستند همیشگی رفتار میشود و آنها هم با همین محرومیتها برو هستند.

در نتیجه همین شرایطی که شرح داده شد فقط عده کمی از زندانیان سیاسی قادر هستند که این نامه را امضا کنند. ما از شما خواهش میکنیم برای گرفتن اطلاعات بیشتر از ما و سایر زندانیان سیاسی قصر، زندان شماره ۳ و ۴ تحقیق نمائید. ما محرومیتهای زیاد از حد، شکنجه های فراوانی را تحمل کرده‌ایم و از شما و مردم شرافتمند جهان درخواست میکنیم تا از حقوق مردم ایران و زندانیان سیاسی ایران از دمکراسی و حقوق دمکراتیک ما دفاع نمائید. امیدواریم که کفرانس شما در راه دفاع از اعلامیه حقوق بشر و اجرای آن قرین موفقیت گردد، با احترامات زندانیان سیاسی

ده می‌راند، ولی آنها باتفاق سربازان بازمیگردند و مقاومت دهقانان را با رگبار مسلسل خاموش میکنند چند نفر کشته و عده‌ای زخمی میشوند و چند کودک زیر دست و پا له میگردند. اجساد و زخمیها را در کامیون روی هم انباشته و بنقطه نامعلومی برده‌اند.